



فرهنگ جامع اصطلاحات

موسیقی

گردآوری، ترجمه، تالیف  
فریدون ناصری



انتشارات روزنه

# A

## A. A. Avec. AU.

(آ؛ آوک؛ او)

۱. حرف ربط: با. بوسیله. ۲. در برابر یک حرف صدادار Ad نوشته می شود. ۳. در آلمان و انگلیس نت La را با حرف A می نویسند و نشان می دهند.

## A battuta. [bat - tou - ta].

آ با توتا.

در میزان، در میزان ضرب شماری شده، در میزان با ضرب هایی کاملاً منظم و مساوی. در گذشته این اصطلاح برای رستیانیف های récitatifs اجباری (رستیانیفی که اجباراً با یک ساز همراه بود) به کار می رفت امروزه می گوئیم A tempo (نگاه کنید به این اصطلاح).

## A cappella. [de chapelle].

آ کا پلا.

۱. این اصطلاح در موسیقی کلیسا به کار می رفت و تعیین می کرد سازهای ارکستر با بخش آوازی (خواننده، خوانندگان) هم صدا unisson همراهی می کنند یا با فاصله ی اکتاو octave. ۲. نامی که به همه ی قطعاتی که برای کلیسا ساخته می شد یا در سبک کلیسایی بود، داده می شد.

## A capriccio. [ca - pri - tcho].

آ کا پر یچیو.

با هوی و هوس فردی، بنا بر میل و خواست نوازنده. به این معنی که اجرا کننده بنا بر میل و برداشت خود و احساسات شخصی قطعه را اجرا می کند.

## a cinque . A cinq parties.

آ سنک. آ سنک پارتیه.

در پنج بخش. (پنج نفری) اینجا منظور پنج بخش پشت سر هم نیست بلکه منظور پنج بخش روی هم قرار گرفته است.

**آپرتوس.** *Apertus. [a - per - tus]. (lat).*

لغت لاتینی به معنی: باز، بی حفاظ، آزاد. صدای باز، که مخالف صدای بسته و پوشیده کوپرتوس است. Copertus

**آ پیا تیره.** *A piacere. [a - pia - tché - ré]. (it).*

به اراده، به اختیار، به خواست.

**آ پوکو آ پوکو.** *A poco a poco. [a pó - co a pó - co]. (it).*

رفته رفته، کم کم، به تدریج.

**آپ پاسیوناتیس سیمو.** *Appassionatissimo. [ap - pas - sio - na - tis - simo]. (it).*

خیلی پر شور، خیلی پرهیجان.

**آپ پاسیوناتامته.** *Appassionatamente. [ap - pas - sio - na - men - to]. (it).*

پر شور، با احساسات شدید.

**آپ پاسیوناتو، تا.** *Appassionato, ta. [ap - pas - sio - na - ta - men - té]. (it).*

با عشق، با شور: به شتاب، به شدت.

**آپ پاسیوناتو، تا.** *Appassionato, ta. [ap - pas - sio - na - to ...ta]. (it).*

فریفته، پر شور: دارای احساسات تند. معرف اجرایی است سرشار از احساس و هیجان با شور و حرارت قلبی.

**آپ پنا پرچتی بیله.** *Appena percettibile. [ap - pé - na - pér - tché - ti - bi - lé]. (it).*

به زحمت قابل ادراک، به زحمت حس کردن، به تقریب حس کردن.

**آپ پئاتو.** *Appenato. [ap - pé - na - to]. (it).*

۱. کسی که درد می کشد، کسی که سرگشتگی دارد، سرگشته. ۲. خسته، مانده: شل، بی حس، وارفته: بازحمت، به دشواری اجرا شده، به زحمت اجرا شده.

**آپ پلوزو.** *Applauso. [ap - plaou - zo]. (it).*

دست زدن، کف زدن.

**آپ پلودی منتو.** *Applaudimento. [ap - plau - di - men - to]. (it).*

کف زدن، دست زدن: تقویت، موافقت.

**آپ لی کاتور.** *Applicatur. [App - Li - Ca - Tur]. (ALL).*

انگشت گذاری Doigté. ۱. انگشت گذاری یعنی تعیین و تنظیم کردن حرکت و بازی انگشت ها برای اجرای یک قطعه و یا عدد گذاری کردن و تعیین موقعیت انگشت ها روی یک پارتیسون. ۲. طریقه ای به کار بردن انگشت ها. لغت Doigté تعیین کننده مجموعه ای اعدادی است (شیفرها) که آهنگساز یا تصحیح کننده برای طریقه ای اجرا بر قطعه ای می گذارند. ۳. ساده ترین انگشت گذاری مربوط است به سازهای بادی برنجی زیرا که تعداد اندک پیستون ها احتیاج به تغییر محل دست ندارد و البته Doigté یا انگشت گذاری برای سازهایی مثل ساکسوفون، اوبوا، کلارینت، باسون که کلیدهایشان به مراتب زیادتر از انگشت های دست های ماست خیلی مشکل تر و پیچیده تر است و از این هم پیچیده تر انگشت گذاری سازهای کلاویه دار است. قبل از باخ تقریباً و به طور کلی از